

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: نیکولای زوبریلین* (Nikolai Zubrilin)

برگردان: ا. م. شیری

۲۲ جنوری ۲۰۲۳

بدون محدودیت زمانی



حتی امروز هم همه نمی‌دانند که اصلاح‌طلبان از دروغ و تهمت برای نابودی اتحاد شوروی استفاده کردند. یکی از استدلال‌های عوامل نوسازی در دهه ۱۹۹۰، توسل به واقعیت کاهش قیمت نفت برای فریب افکار عمومی بود. گویا کاهش درآمد حاصل از فروش نفت باعث نابودی اتحاد شوروی گردید. این یک دروغ محض و آشکار بود! مقایسه درصد تکمیل بودجه از طریق فروش نفت با امروز، نمی‌تواند مبنای چنین فکری باشد. استناد اصلاح‌طلبان به این واقعیت فقط افکار عمومی را از خیانت واقعی و برنامه‌های تدوین شده از مدت‌ها قبل برای نابودی خشونت‌آمیز اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی با کمک نوسازانی که از نزدیک با زوج گوربچوف- یلتسین کار می‌کردند، منحرف می‌کند. اصلاح‌طلبان گایداری-چوبایسی با ارائه تصویری از مبارزه ادعائی بین گوربچوف و یلتسین به طرز زیرکانه‌ای مردم را فریب دادند. در نهایت (همانطور که محاسبه شده بود)، صرف نظر از این که چه کسی ممکن است از این میدان جنگ قدرت پیروز بیرون بیاید، اصلاح‌طلبان پیروز خواهند شد. اما از نظر توده‌ها هر یک از این مهره‌ها، کیفیتاً «هر دو بدتر» بودند. چنین گزینه بن‌بستی نیز برای کل کشور آماده شده بود. در نتیجه، گوربچوف و یلتسین، با نابودسازی اتحاد شوروی، نقش اصلی خود را در یک نمایش تحریک‌آمیز که توسط سیا ساخته شده بود، ایفاء کردند. در آن زمان، الکساندر یاکولیوف، اولگ کالوگین، ادوارد شوارندازده که از مدت‌ها پیش عوامل غربی مستقر در بسیاری از ساختارهای دولتی را زیر چتر حمایت خود گرفته بودند، به اضافه ۲۰۰ مأمور سازمان «سیا» با دعوت اصلاح‌طلبان تیم گایدیر- چوبایس در اعماق دولت روسیه در کابینه وزیران «به عنوان مشاور» ظاهر شدند. به منظور پردازش افکار عمومی و تهیه تصویر نادرست از دلایل نابودی اتحاد شوروی، یک عملیات ویژه ایدئولوژیک و

اطلاعاتی برای منحرف کردن رسانه‌های روسیه و جهان از رویدادهای مهم مسکو انجام شد و توجهات به سوی مسأله محاصره گوربچوف در فوروس معطوف گردید و همه این‌ها در پس زمینه خالی شدن قفسه‌های فروشگاه‌ها که توسط نوسازان سازماندهی شده بود، انجام گرفت. این یک گزینه برد-برد برای وادار کردن مردم به قطع حمایت خود از حزب کمونیست و بر همین اساس، به امتناع از نظام شوروی بود.

اما اصلاح‌طلبان توضیح ندادند که وقتی مردم از حمایت از دولت شوروی خودداری کردند، به طور خودکار از بهترین خدمات بهداشتی و آموزشی رایگان شوروی در جهان، مسکن رایگان برای همه نیازمندان، بسیاری از تضمین‌های اجتماعی، از جمله برای کودکان، بازنشستگان، خانواده‌های پرجمعیت و سایر گروه‌های جمعیت نیز امتناع کردند.

اصلاح‌طلبان توضیح ندادند که امتناع از حمایت از نظام شوروی به طور خودکار کشور را به سمت سرمایه‌داری راهزن و پایمال کردن حقوق کارگران مزدبگیر و راهاندازی سازوکار سرمایه‌داری سوق داد. تصاحب ارزش اضافی برای محصولات تولیدی توسط صاحبان وسایل تولید و واسطه‌ها، مکانیزم اصلی سرمایه‌داری است که منجر به فقر جمعیت می‌شود. همانطور که می‌دانید، امروز در کشور ما با ۱۵۰۰۰ روبل در ماه، زیر خط فقر زندگی می‌کند (منظور ۲۰ میلیون نفر از جمعیت ۱۵۰ میلیون نفری فدراسیون روسیه است نه از جمعیت ۳۰۰ میلیون نفری اتحاد شوروی. م).

درست زمانی که قفسه‌های فروشگاه‌ها خالی بود، میلیون‌ها تن گوشت، مرغ، کنسرو، مسکه، غلات در سردخانه‌ها و انبارها وجود داشت، اما برای فروش عرضه نمی‌شد. بخشی از آن‌ها برای زمان آزاد کردن قیمت موکول گردید که در ۲ جنوری ۱۹۹۲ اتفاق افتاد. قدرت خرید پول هزار برابر سقوط کرد، قیمت‌ها افزایش یافت و بخش دیگر محصولات در جنگل‌های اطراف مسکو و دره‌ها زمانی خالی شد که امکان تخلیه محصولات تحویلی در انبارها وجود نداشت (رجوع کنید به گزارش‌های روزنامه‌نگاران آن سال‌ها در مورد تخریب و فاسد کردن مواد غذایی). به مردم، به ویژه، به مسکو عمداً گرسنگی دادند تا دولت شوروی را از حمایت مردم محروم کنند.

در نگاه اول، آنچه در آن زمان در صفحه‌های تلویزیونی رخ می‌داد، عجیب به نظر می‌رسید. این خبر منحصرأ در نسخه سیاه پخش می‌شد و مشخص نبود که چرا تلویزیون رسمی علیه حزب کمونیست اتحاد شوروی و دولت لجن‌پراکنی می‌کرد؟ از صفحات تلویزیون انبوه تهمت‌ها و دروغ‌ها علیه رهبران حزبی و صنعتی به طور مستمر پخش می‌شد. روزی نبود که تلویزیون به نظام شوروی، گروه‌های کارگری، مدیران کارخانه‌ها و مؤسسات، ارتش و پولیس شوروی تهمت نزنند.

تلویزیون‌ها مانند یک گودال زباله کار می‌کردند که از آن لجن و کثافت به روی کشور و همه رهبران پاشیده می‌شد. این در حالی اتفاق می‌افتاد که همین تلویزیون‌ها نوسازان را تمجید می‌کردند و از آنان قهرمان می‌ساختند. همین قدر کافی بود که دو کلام علیه حزب کمونیست اتحاد شوروی حرف بزنی و به یک قهرمان در مقیاس «جهانی» تبدیل شوی! ماشین تبلیغاتی که به دست خائنان و مقامات فاسد افتاده بود، بدینگونه کار می‌کرد. اما اکنون از زمانی که کشور چشم خود را بر روی همه این مشکلات بسته، ۳۰ سال می‌گذرد و هیچ کس جز حزب کمونیست فدراسیون روسیه برای گفتن حقایق به مردم و متوقف کردن روند هلاکت‌باری که ما را به اوضاع بعرج بعدی در سمت جنوب غربی سوق می‌دهد، سعی نمی‌کند.

تمام رذالت‌هایی که اکنون در سیاست جهانی و در کشور ما مشاهده می‌شود، از آنجا، از نوسازی و از دهه فاجعه‌بار ۹۰ ناشی می‌شود؛ از سال اعدام ۱۹۹۳، از سال خصوصی‌سازی ۱۹۹۴، از زمانی که صنایع به ازای یک پول سیاه به الیگارشی‌های امروزی تحویل گردید، از فرصت از دست‌رفته مردم برای به قدرت رساندن یک دولت اعتماد ملی به

ریاست حزب کمونیست فدراسیون روسیه - که در صورت پیروزی زیوگائف در سال ۱۹۹۶، قرار بود بر اساس هنجارهای سوسیالیستی و عدالت اجتماعی شکل بگیرد، ناشی می‌شود؛ از سال نکول ۱۹۹۸، زمانی که همه ما به میلیونرهای فقیر تبدیل شدیم، از سال ۲۰۰۸، ۲۰۱۲، از زمانی که بحران‌های اقتصادی یکی بعد از دیگری تا امروز را تجربه کردیم، ناشی می‌شود.

و امروز مشکل دیگری به طور «غیرمنتظره» سر برآورد! مؤسسات تولیدی، کارخانه‌ها و کارگاه‌های ما که اکنون بسیار ضروری هستند، به نوعی «ناپدید» شدند. چند سال پیش، که سردیوکوف (وزیر دفاع سابق. م) در حال تخریب مجتمع نظامی-صنعتی بود، دولت ولننگارانه تماشا می‌کرد، به چوبایس که در حال تخریب و فروش مادرشرکت برق بود، از پائین نگاه می‌کرد. مقامات وزارت آموزش و پرورش هزاران مدرسه فنی- حرفه‌ای، صدها مؤسسه را تعطیل کردند. بدین سبب، امروز تراش‌کار، فلزکار، متخصص انرژی، مهندسين مکانیک و فن‌آوری، دانشمندان صنعتی و هسته‌ای به اندازه کافی نداریم. اما یک دوجین اقتصاددان، وکیل، دانشمند علوم سیاسی، جامعه‌شناس و مدیر داریم! البته به این آخری‌ها هم کاملاً نیاز است، اما در هر کاری باید توازنی برقرار باشد! در حال حاضر کسی نیست که مهره را با آچار سفت کند؛ کسی نیست که روی تراکتور در کشتزار کار کند؛ محموله‌ها را در جاده‌ها حمل کند؛ تانک و توپ بسازد؛ موتورها و گیربکس‌ها را جمع کند؛ تیرها و سازه‌ها را جوش دهد...

حزب کمونیست فدراسیون روسیه بارها اقداماتی را برای حمایت از مجتمع نظامی-صنعتی، حمایت از کشاورزی، آموزش، تحصیل و مراقبت‌های بهداشتی پیشنهاد کرده است. فراکسیون حزب کمونیست فدراسیون روسیه در دومای شهر مسکو پیشنهادی برای تقویت کار بر روی توسعه صنعت شهر مسکو و افزایش بودجه برای حمایت اجتماعی از جمعیت، هم از لحاظ تأمین مسکن اجتماعی و هم از منظر بهبود جمعیتی ارائه کرد. حتی اقدامات حداقلی برای حمایت از جمعیت نتایج خوبی در افزایش نرخ زاد و ولد و آموزش نسل جوان به همراه خواهد داشت. بنابراین، اگر دگماتیسم بازار را کنار بگذاریم و افراد تصادفی را از ساختارهای حاکمیتی در همه سطوح اعم از استانی و منطقه‌ای گرفته تا خودمختاری‌های محلی دور کنیم، می‌توان همه امور را به نفع مردم و به طور کلی برای کشور بهبود بخشید.

[نقل از سوروس-وبسایت حزب کمونیست فدراسیون روسیه](#)

۲۸ دی- جدی ۱۴۰۱

* - نیکولای زوبریلین (Nikolai Zubrilin) نماینده مجلس شهر مسکو، رئیس فراکسیون حزب کمونیست